



استاندار البرز:

با اراده پولادین برای تحقق رونق تولید تلاش می کنیم

رسانه مستقل

روزنامه اقتصادی - ورزشی

# دنیایه‌ها و ادگار

www.donyayehavadar.ir

چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۸ - قیمت: ۱۰۰۰ تومان

۲۵۴

وقتی ۳۵ میلیارد تومان از بیت المال صرف دو نفر می شود!

## حاکمیت دلال ها در فوتبال



نقدی بر فیلم «آشغال های دوست داشتنی»

وقتی «تقابل» ارزش ساخت

یک فیلم را دارد

در غیاب نامداران...؟

یک بام و دو هوای انتخابات کشتی!

یادگیری، آری - یادگیرندگی، هرگز!

«تاج» ترمز توسعه در فوتبال؟!

طعم شیرین زمین خواری

زیر زبان سودجویان!



سازمان امور مالیاتی کشور

قابل توجه مودیان محترم مالیات بر ارزش افزوده

مهلت ارائه الکترونیکی اظهارنامه مالیات بر ارزش افزوده دوره بهار ۹۸

طریق سامانه [www.evat.ir](http://www.evat.ir) حداکثر تا ۱۵ تیر ماه سال جاری است.



سازمان امور مالیاتی کشور

شناسه آگهی: ۵۰۹۸۲۷

اداره روابط عمومی امور مالیاتی استان البرز

## استاندار البرز:

## با اراده پولادین برای تحقق رونق تولید تلاش می کنیم



نماینده عالی دولت در استان البرز گفت: با اراده پولادین بر اساس منویات مقام معظم رهبری و شعار سال مبنی بر رونق تولید، تمامی مسئولان استان برای نهایت بهره برداری از فرصت ها بسیج شده اند.

وی افزود: البرز استانی مولد و تاثیر گذار در کشور است همچنین با طبیعت کم نظیر و جوانان فعال و پویا می تواند از تمامی فرصت ها برای ایجاد بسترهای اشتغال استفاده کند. استاندار البرز اضافه کرد: ایجاد زمینه مناسب اشتغال در روستاهای واقع در شهرستان های طالقان و اشترارد به جد دستور کار قرار دارد.

وی گفت: اولویت اصلی توزیع اعتبار در البرز با سیاستگذاری جدید، محرومیت زدایی از مناطق کمتر برخوردار است. شهسازی افزود: در سفر وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و موفق به اخذ مجوز و موافقت برای ایجاد بیمارستان ۲۸ تختی در طالقان توسط ستاد اجرایی فرمان

صورت پایلوت آغاز کرده و مراحل رسیدگی به موانع را به جد رصد می کنیم. وی در پایان به حضور و همراهی رسانه های البرز اشاره کرد و افزود: بهترین های حوزه رسانه در البرز فعال هستند و این همراهی سازنده و مشوقانه را همواره ارج می نهیم.

امام (ره) شدیم. وی عنوان کرد: در راستای توسعه روستایی درصدد هستیم که از محل ارزش افزوده نیز توجه ویژه ای به این بخش داشته باشیم. استاندار البرز گفت: رسیدگی به مشکلات ۲ روستای کوشک زر و اقدسیه را با تشکیل کارگروهی به



## شب نامه

**مهدی محمدزاده** - دق کردیم از بس ندای درونمان را شنیدیم که: «مرد گریه نمی کند» دق کردیم از این ندای بی حساب. غمباد گرفتیم از این رنج بی کتاب. سنگین شدیم از این صدای بی محل.

کاش دست از سر ما بردارد. کاش بداند ما همان کودک دیروزیم؛ که به وقتش بی امان گریه می کردیم، کاش بداند ما همان اطفال زانو خراش برداشته ایم؛ اما اینبار با جراحات عمیق تر...

## حکایت حال امروز مستاجران!

منطقی وجود دارد. تنها با هربار تمديد قرارداد اجاره رسم شده بر مبلغ رهن و کرایه افزوده شود. و این به دور از آیین مسلمانی است



نقل است بزرگی ملکی داشت در اختیار مستاجر، خبر رسید مستاجر صاحب فرزند شده، بزرگ پیغام فرستاد تا کنون دو ریال اجاره می دادی زین پس یک ریال بده، عرضه داشتند رسم بر آن است که با ازدیاد نفوس، بر مبلغ کرایه باید افزود، فرمود با ازدیاد نفوس خرج و زحمت پدر افزون می شود، اینطور من هم سهمی در روزی آن طفل دارم. حالا حکایت امروز موجرها و مستاجرهای جور دیگری شده نه نفوسی زیاد می شوند علتی

## جابجایی پرچم ایران و اسرائیل توسط یک نماینده مجلس در جریان اجلاس مسکو



علیرضا رحیمی در صفحه شخصی خود در توئیتر نوشت: «در جریان اجلاس توسعه نظام پارلمانی در مسکو، پرچم ایران و اسرائیل در دو ردیف قرار داشت. نماینده مجلس ایران با تعصب، پرچم ایران را که در ردیف دوم بود و دیده نمی شد به ردیف اول آورد و پرچم اسرائیل را که در ردیف جلو بود با مهارت و سرعت به ردیف دوم فرستاد.»

## دنیای هوادار به اعصاب

## زنجیره بیمار «گران» و «گران تر»!



علی ساجدی

یک زنجیره بیمار در مملکت آبا و اجدادی ما همینطور در دور باطل افتاده که هر یک چیزی که گران می شود هزار چیز دیگر هم باید گران بشود. فی المثل قیمت دلار بالا می رود، علوفه گران می شود که بعد شیر گران بشود که بعد سرلاک گران بشود که بعد پوشک گران بشود که بعد و بعد و بعد.

از این دوره های تسلسل یک معروف دیگرش اجاره خانه و ملک است. قیمت تیر آهن و سیمان بالا می رود اجاره خانه هشت سال ساخت بدون کابینت های گلس و پارکینگ و آسانسور در طبقه یازدهم در محله ای پر رفت و آمد یکهو دو سه برابر می شود. جالب اینجاست که همیشه یا مشتری دیگری با قیمت بالاتر ملک را می خواهد، یا شازده پسر صاحب ملک گوشه اش مخملی شده و دارد می رود قاطی مرغها، خانه را لازم دارد یا اصلا بناست خانه را بکوبند تراکم بگیرند برونند تا عرش الهی. و مستاجر از همه جا مانده هم راهی ندارد جز قبول افزایش اجاره بها، که اگر نه، هر جای دیگری هم که برود همین آس است و همین کاسه.

قربانش بروم، قانون و عیار و حد و مرزی هم که ندارد این کرایه خانه ها، فی المثل سالی فلان درصد بشود اضافه اش کرد یا چیزی از این دست.

حالا بیایید ببینیم این افزایش اجاره خانه ها چه می کند؟ مستاجر بی نوا که معلمی است در یک دبستان غیر انتفاعی و مدیر محترم شهریه های چندین میلیونی را پیش خور می کند و هر دو سه ماه یک بار قدری از حقوق معلمان را با کلی منت به ایشان می دهد، مجبور است برای تامین معاش خانواده اش با پراید به خرج افتاده مدل پایین ساعتی را که باید به مطالعه و تجدید قوا برای آموزش آینده سازان مملکت صرف کند در خیابان های دودزده پر ترافیک شهر به مسافر کشی بپردازد و بخشی از مسافران شهری را جابه جا کند که بناست روزی راننده تاکسی ای باشد که سمنندش را از دم قسط لیزینگ کرده و سر برج اگر قسطش را به موقع نپردازد هم ماشین را از دست می دهد هم کارش را و هم از پرداخت هزینه های درمان مادرش که مبتلا به دیابت است بر نخواهد آمد و برای همین مجبور به فروش کلیه اش می شود به خانمی که به دلیل مطلقه بودنش به این راحتی ها جایی به او کار نمی دهند و برای تهیه پول خرید کلیه، خیابان های زیادی را در تهران قدم زده، مخصوصا یک روز که یک شاسی بلند...

اجازه بدهید بیشتر از این ادامه ندهم. داستان اجاره های گزاف و گرانی مایحتاج و گرفتاری های این روزهای مردم، دارد کار را به جاهای باریک می کشاند و اگر مسئولین و خود مردم کاری نکنند، اوضاع جامعه بدتر از این ها خواهد شد. نه نفوسی! نه علتی منطقی...

نقل است بزرگی ملکی داشت در اختیار مستاجر، خبر رسید مستاجر صاحب فرزند شده، بزرگ پیغام فرستاد تا کنون دو ریال اجاره میدادی زین پس یک ریال بده، عرضه داشتند رسم بر آن است که با ازدیاد نفوس، بر مبلغ کرایه باید افزود، فرمود با ازدیاد نفوس خرج و زحمت پدر افزون می شود، اینطور من هم سهمی در روزی آن طفل دارم.

حالا حکایت امروز موجرها و مستاجرهای جور دیگری شده نه نفوسی زیاد می شود نه علتی منطقی وجود دارد. تنها با هربار تمديد قرارداد اجاره رسم شده بر مبلغ رهن و کرایه افزوده شود و این به دور از آیین مسلمانی است...



## خبر روز

## فروشنده دلار تقلبی در البرز دستگیر شد

از فردی که در استان کردستان است، خریداری کرده و در کرج به فروش رسانده است. رئیس پلیس آگاهی البرز گفت: این جعل ۲۵ فقره ۱۰۰ دلاری جعلی را به مبلغ ۲۲۰ میلیون ریال به فروش رسانده بود که تحویل مراجع قضائی و سپس به زندان منتقل شد.

مربوط به فردی است که خودروی من را به صورت درستی کرایه کرده بود و جلوی مغازه شاکي از من خواست که دلارها را تحویل وی داده و ۲۲۰ میلیون ریال وجه نقد دریافت کنم. نادر بیگی افزود: با اظهارات این فرد و تحقیقات پلیس فرد مورد نظر دستگیر و اذعان داشت که دلارها را

دستور کار پلیس قرار گرفت. وی اضافه کرد: مأموران پلیس مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی البرز نیز با توجه به ظن جعلی بودن دلارها فرد مورد نظر که شاکي معرفی کرده بود را دستگیر کردند. وی گفت: فرد دستگیر شده در اظهارات خود اذعان داشت که دلارها

رئیس پلیس آگاهی البرز گفت: فرد جعلی فروشنده دلار تقلبی به یکی از شهروندان در البرز دستگیر شد. سرهنگ محمد نادر بیگی روز گذشته در طی گفتگویی افزود: در پی شکایت فردی به پلیس آگاهی استان البرز مبنی بر خرید مقادیر دلار که ظن به تقلبی بودن، موضوع به صورت ویژه در



## اخبار

## ۱۵ بنای غیرمجاز در منطقه ۴ کرج تخریب شد

مدیر منطقه ۴ شهرداری کرج گفت: شهروندان هرگونه ساخت و ساز غیر مجاز را از طریق سامانه ۱۳۷ به شهرداری اطلاع دهند.

به گزارش دنیای هوادار، ریی سعادت اظهار کرد: ۱۵ ساختمان غیرمجاز با حکم قضایی و با همکاری جهاد کشاورزی تخریب شد.

او افزود: با عنایت به لزوم توجه ویژه به موضوع مدیریت بحران، با ساخت و سازهایی که بدون رعایت اصول ایمنی ساخته می شوند و از ضریب بالایی در بروز حادثه در مواقع بحرانی همچون زلزله برخوردار هستند، برخورد قانونی خواهد شد.

مدیر منطقه ۴ شهرداری کرج گفت: با توجه به وسعت منطقه و امکان اجرای ساخت و سازهای شبانه به دور از چشم مأمورین خدمات شهری، از شهروندان درخواست می شود هرگونه ساخت و ساز غیر مجاز را از طریق سامانه ۱۳۷ به شهرداری اطلاع دهند.

## خطوط اتوبوس رانی کرج

### مهندسی می شود

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری کرج گفت: در راستای اجرای طرح مهندسی خطوط اتوبوسرانی کرج نتایج بررسی ۶۴ خط به مرحله نهایی رسیده است.

به گزارش دنیای هوادار، محمدرضا احمدی نژاد با اشاره به اینکه جلسات هفتگی برای بازنگری و مهندسی خطوط اتوبوسرانی کرج برگزار می شود، اظهار کرد: ارایه طرح های اصلاح خطوط اتوبوسرانی از طریق ادغام، حذف و افزایش خطوط با لحاظ پوشش سراسری شبکه حمل و نقلی و کاهش زمان سفر در جلسات تخصصی با حضور کارشناسان مربوطه مورد توجه قرار گرفته است.

وی با بیان اینکه اصلاح تعداد ناوگان اتوبوسرانی از طریق بهینه سازی خطوط اتوبوسرانی و پیش بینی خطوط ویژه اتوبوس به منظور کاهش زمان سفر در راستای تکمیل طرح بازنگری و مهندسی خطوط از اقدامات صورت گرفته به شمار می رود، افزود: تاکنون نتایج بررسی ۶۴ خط به مرحله نهایی رسیده است.

به گفته معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری کرج در حال حاضر ۶۴ خط اتوبوسرانی با ۶۴۲ دستگاه اتوبوس در شهر فعال است.

## نمای بناهای با اهمیت کرج

### بررسی می شود

مدیرکل امور شهرسازی معاونت معماری و شهرسازی شهرداری کرج گفت: ساماندهی و ارتقا کیفی جداره ها و بدنه های شهری و نماهای ساختمانی از موارد قابل توجه معاونت شهرسازی است.

به گزارش دنیای هوادار، امین جواهری اظهار کرد: ساماندهی و ارتقای کیفی جداره ها و بدنه های شهری و نماهای ساختمانی به استناد مصوبات شورای عالی شهرسازی و تهیه ضوابط و دستورالعمل ها و چک لیست های مربوط به کنترل نما، حائز اهمیت است.

او گفت: در جلسات کمیته نما ضمن بررسی کیفیت بصری پلاک های ارایه شده، نمای بناهای با اهمیت کرج مورد بررسی قرار گرفت.

به گفته مدیرکل امور شهرسازی معاونت معماری و شهرسازی شهرداری کرج، لزوم اجرای نما و جزئیات اجرایی آن مطابق نشریه ۷۱۴ و همچنین رعایت اصول ایمنی حین و پس از اجرا، با توجه به ضوابط و مقررات موجود در طرح زمینه، ضروری است.

## شفافیت معامله های کلان، ارمغان شروع به کار «تالار معاملات»



مالی نامناسب به کارگزاری ها روی آورد تا با تامین منابع پروژه ها را پیش برد اما مشخص شده است که کارگزاری ها این توان را ندارند و اکنون سیاست شهرداری تعطیلی کامل کارگزاری های آنهاست. معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران با بیان اینکه شیوه فعالیت تالار، مشابه بورس است می گوید: تمام خرید و فروش ها، مناقصه و... در حوزه

کلان انجام می شود و در گام نخست ۲۲ منطقه و ۵ شرکت به آن ملحق خواهند شد. با اصلاح اساسنامه به تدریج سایر سازمان های شهرداری نیز به این تالار خواهند پیوست.

بخشی از تلاش برای ساخت تالار معاملات شهرداری تهران به روند حذف کارگزاری ها از شهرداری بازمی گردد. کارگزاری ها شرکت هایی هستند که برای پیشبرد اجرای پروژه ها به جای شهرداری، تامین منابع می کردند و شهرداری در فرصت های چندماهه با محاسبه کارمزدهای آنها را پرداخت می کرد. هم اکنون ۲ کارگزاری که یکی دولتی و دیگری وابسته به شهرداری است فعالیت می کنند که با تشکیل تالار معاملات فعالیت آنها متوقف خواهد شد. به گفته معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران در مقطعی شهرداری به دلیل وضعیت

فعالیت کارگزاری ها با شروع به کار تالار معاملات شهرداری تهران متوقف خواهد شد و معامله های کلان در این تالار همراه با شفافیت انجام می شود.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از همشهری، براساس اعلام معاون مالی و اقتصاد شهری شهرداری تهران، تا پایان شهریور این تالار راه اندازی می شود. عبدالحمید امامی با بیان اینکه محل این تالار نیز از سوی اداره پشتیبانی در حال آماده سازی است، می افزاید: بر این اساس با راه اندازی این تالار، کلیه معاملات شهرداری تهران به صورت شفاف در آن تالار انجام خواهد شد. او قبل از این هم از شروع به کار این تالار در سال ۹۸ خبر داده و گفته بود که هدف از آن ایجاد شفافیت است. این طرح از گذشته وجود داشته اما اجرا نشده است. در این تالار معاملات بیش از ۲۵۰ میلیون تومان یا معاملات

## طعم شیرین زمین خواری زیر زبان سودجویان!

ساخت وسازهای غیر مجاز، بیش از این برای البرز تهدید آمیز نباشد. در نظام حقوقی ایران، برای زمین خواری عنوان مجرمانه ای مستقلاً بیان نشده است اما از آنجا که عنصر مادی آن تحصیل مال نامشروع و تصاحب زمین غیر یا تصرف مراتع و اراضی موات، محیط زیست، اراضی ملی و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا سازمان ها و نهادهای عمومی است، می توان با مصادیق مجرمانه ای متعددی آن را تطبیق داد.

به این ترتیب، با توجه به گستردگی اثرات این معضل در هر شهر، استان و در مقیاس بزرگتر، کل کشور، مدتی است عزمی جدی برای مبارزه با زمین خواری و ساخت وساز غیر مجاز ایجاد شده است. در استان البرز نیز این معضل، به موضوع روزی تبدیل شده که بسیاری از مسئولان مربوطه، بر خورد با آن را خواستار شده اند.

در این میان باید به دغدغه ای مقام معظم رهبری اشاره کرد که تأکید کرده اند، حفظ منابع ملی، وظیفه ای است و محدود به شخص یا ارگان خاص نمی شود. با این حال مدت هاست که این معضل مورد بی اعتنائی قرار گرفته است. اما ورود جدی نهادهای نظارتی را برای برخورد با این معضل، به فال نیک می گیریم و امیدواریم با اقدامات مستمر، دست سودجویان از تعدی به اراضی ملی کوتاه شود.

این فرآیند ناخواسته، از میان می رود. طبق گفته ای مسئولان مربوطه در ساوجبلاغ، رشد قارچ گونه ای بنگاه های املاک به ویژه در روستاها و همکاری برخی مشاوران املاک با افراد سودجو در خرید و فروش غیرقانونی اراضی کشاورزی و باغات، این شهرستان را با معضلی جدی مواجه کرده است. ساوجبلاغ و نظرآباد از جمله شهرستان های استان هستند که با این معضل، بیش از باقی شهرستان ها، دست و پنجه نرم می کنند. چرا که یکی از مهم ترین پشتوانه های آن ها برای مردم شان، تولیدات کشاورزی است که زمین خواری و تخریب اراضی کشاورزی سبب بیکار شدن صدها نفر می شود. با این حال مدتی است مراجع قضایی به پیگیری این موضوع پرداخته اند و آن را به عنوان اولویتی مهم جهت رسیدگی قرار داده اند تا معضل زمین خواری و

معضل زمین خواری و ساخت و سازهای غیر مجاز، از مهم ترین چالش هایی است که استان البرز، مدت هاست با آن دست به گریبان است. از طرفی شتاب در ساخت و سازهای کلان شهری که به مرکز استان نیز تبدیل شده، ناگزیر است و بدیهی است همین امر سبب ایجاد فرصت هایی برای سوء استفاده ای برخی سودجویان باشد. استان البرز با برخورداری از مساحت بالای زمین های زراعی و باغات با آب و هوای مناسب، هدفی مطلوب برای زمین خواران به حساب می آید. به طوری که هر روزه شاهد تخریب و قطعه بندی این اراضی و تبدیل آن ها به ویلا، آپارتمان و سایر کاربری های شهری هستیم.

این ساخت وسازهای غیر مجاز، علاوه بر از بین بردن ریه های تنفسی البرز، تهدیدی جدی برای استان، هنگام بروز سیل یا زلزله یا حتی در مقیاس کم تر از بلایای طبیعی است، مانند آنچه در روستای سیجان رخ داد و حریم رودخانه در پی ساخت وسازهای نامناسب و غیر مجاز، از بین رفته بود و بستر رودخانه نیز قدرت لازم برای مواجهه با سیل ویرانگر را نداشت.

کارشناسان معتقدند که ساخت و سازهای غیر مجاز، پدیده ای مخرب است که علاوه بر تخریب سیمای طبیعی منطقه، تولیدات کشاورزی را نیز با مشکل مواجه می کند و آنچه به یک منطقه هویت می بخشد نیز، در



نسترن کیوان پور  
Nastaran.keyvanpour@gmail.com



## یادگیری، آری - یادگیرندگی، هرگز! «تاج» ترمز توسعه در فوتبال؟!

مهدی تاج سه سال است بصورت مستقیم و قریب ۱۰ سال به عنوان نایب رییس در فوتبال ما تصمیم گیرنده بوده است. حاصل این مدت طولانی را چگونه باید ارزیابی کرد؟

مجید سعیدی

در اینکه فوتبال ما به لحاظ کمی در برخی شاخص ها رشد داشته - که البته تهدید های اخیر تاج در زمان برگزاری لیگ آن را نیز با ابهام رو به

رو ساخته - حرفی نیست، اما در مورد سایر جنبه های فوتبال به صراحت می توان گفت: فوتبال پیشرفت معنادار نداشته و ایضا یا پسرفت داشته یا درجا زده است.

نمونه بارز آن کم توجهی یا اساسا بی توجهی فدراسیون به موضوع یادگیرندگی و ایضا مقوله کارآفرینی است که در صنعت فوتبال ما به کلی به فراموشی سپرده شده است.

اگرچه کمیته آموزش و در راس آن میرشاد ماجدی به عنوان مردی از جنس فوتبال که از دانش لازم برخوردار است تلاش گسترده ای تاکنون انجام داده (مثل همین برگزاری کلاس حرفه ای) فقدان برنامه های مدون توسعه ای در سطح کلان فوتبال و به تبع آن در سطح باشگاه ها (۱) عملا فوتبال ما را با فقدان مزیت رقابتی در حوزه دانش مواجه ساخته است.

گرچه موضوع یادگیری از دیرباز در فوتبال ما نهادینه شده لیکن «فوتبال یادگیرنده» موضوعی است که تاج باید پاسخگوی آن باشد.

اینکه ساختار فدراسیونش چه میزان یادگیرنده است؟ آیا با پول های هنگفتی که به پای کی روش ریخت و اینک قرار است خرج ویلموتس کند قادر به ایجاد مزیت رقابتی هست؟ کدام انتقال دانش انجام گرفت و در چه سطحی؟

همچنین است وضعیت استقلال و پرسپولیس و برخی تیم های متمول!

جان کلام اینکه فوتبال ما در سطوح مختلف از مدیرانی برخوردار است که بنا بر دلایل گوناگون فاقد دانش مدیریتی و البته تفکر استراتژیک و توسعه ای هستند. آثار این نابلدی و ناکارآمدی از همین الان مثل روز روشن است.

مریبه داخلی در سطح تیم ملی نداریم (چون در معیار اعتماد و اختیار که شاخص توسعه هستند باوری وجود ندارند) و باشگاه های بزرگ تا همین امروز دنبال مریبه بودند (چون سرمایه ها را هدر دادند و خانه نشین کردند)؟! حرف زیاد است اما کو گوش شنوا؟ گوش شنوا فهم می خواهد. با تفکرات امثال تاج، فوتبال ما در مسیر توسعه قرار نمی گیرد...

## سه گانه کار ایرانی در جمع بهترین های آسیا

سه گانه کار جوان کشور به عنوان استعداد طلایی تیم منتخب کنفدراسیون آسیا برای المپیک آینده انتخاب شد. به گزارش دنیای هوادار و به نقل از روابط عمومی فدراسیون ورزش سه گانه، علی رضوانی سه گانه کار کشورمان به عنوان استعداد طلایی تیم منتخب کنفدراسیون آسیا برای المپیک پیش رو انتخاب شد.

بر اساس این گزارش و برابر اعلام مسئول هماهنگی استعداد های آسیا بعد از پایان اردوی آماده سازی و شناسایی سه گانه کاران آسیا که در کشور کره جنوبی برگزار شد، اسامی نفرات منتخب و جایگاه حمایتی آن ها از طرف کنفدراسیون سه گانه آسیا مشخص شد که در این میان علی رضوانی در رده ۴ امیدهای آسیا با سطح حمایت طلایی انتخاب و برای حضور در مسابقات معرفی شد.

شایان ذکر است، کنفدراسیون ورزش سه گانه آسیا با طرح مستعدین به دنبال دستیابی به مدال های جهانی و المپیک برای ورزشکاران آسیایی است که با اعزام نفرات به مسابقات بین المللی و اردوهای آماده سازی این هدف را دنبال می نماید.

## در غیاب نامداران...؟

# یک بام و دو هوای انتخابات کشتی!



محمد رضا کاظمی

بیش از ۸ ماه سپری شد تا وزارت عریض و طویل ورزش و کمیته ملی المپیک توانستند زمانی را برای برگزاری انتخابات کشتی تعیین کنند!

این مقدار زمان و تاخیر و تعلل در امری که از اولویت های نخست اداره یک تشکیلات محسوب می شود فقط در دستگاه ورزش ما

مجال ظهور پیدا می کند. باور کنید همین اندازه نیز در سایه تهدید و فشار اتحادیه جهانی و شخص نناد لالوویچ رییس این تشکیلات میسر شد که به هنگام ملاقات با صالحی

امیری به وی گوشزد کرد باید هر چه زودتر انتخابات فدراسیون کشتی ایران برگزار شود و گرنه چه بسا آقایان مسئولین ورزش کشور که بیشتر به دنبال سیاسی کاری و یار جمع کردن برای اهدافی خاص تلاش می کنند هنوز هم عزمی برای برگزاری

انتخابات از خود نشان نمی دادند!

درباره آسیب های فدراسیون بدون رییس ورزش اول زیاد گفته و نوشته ایم اما چون گوش شنوایی در میان مسئولین ورزش وجود ندارد از تکرار آن اجتناب می کنیم چرا که مردم حاصل تلاش مسئولین کنونی ورزش از صدر تا ذیل هیچ بوده و آقایان در انجام امور فقط یک رشته فوتبال

مانده اند، چه برسد به اینکه بتوانند کلیت ورزش را به سر منزل مقصود برسانند. تحت این شرایط بدیهی است اوضاع ورزش کشور بهتر از این نخواهد شد و همین مقدار هم که

مانده حاصل پامردی خود قهرمانان و تلاش مضاعف کسانی است که برای کسب موفقیت و رسیدن به مدال و افتخار تلاش می کنند. برای آقایان مسئول چه اهمیتی دارد که حال

و روز کشتی در مقام ورزش اول چگونه است؟ آن ها نمی دانند تا به اینجا نیز آسیب های جدی بر پیکر این رشته زده شده است. این موضوع را بارها مریبان تیم ملی، کارشناسان، پیشکسوتان و قهرمانان بیان کرده اند اما گوش برخی از مسئولان که از آنها

به عنوان کامپیوتر ورزش نام برده شده بدهکار این انتقادات نبوده و نخواهد بود. نگاهی به رقابت های انتخابی اخیر کشتی آزاد که در ۵ وزن برگزار شد گویای بسیاری از حقایق است. در این رقابت ها که از قضا پس از مدت ها جمعیت زیادی را به سالن ۱۲ هزار نفری کشانده بود به سهولت مشخص بود که پیکره تیم ملی و نفرات

شاخص از هم گسسته و دشوار است بتوان باور داشت که در میدان جهانی قزاقستان به نتایج دلخواه دست پیدا کنیم. این واقعیت از چشم مسئولین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک دور ماند چون هیچ یک از نفرات

درجه اول و دوم این دو تشکیلات موازی، قدم رنجه نکرده و در سالن حضور نداشتند. بدیهی است که اطرافیان نیز واقعیت ها را برای آنان برملا نخواهند کرد. واقعیت ها تنها

پس از جهانی قزاقستان و شهر یورماه مشخص خواهد شد. حال تصور کنید تحت چنین شرایط و اوضاع و احوالی که فدراسیون مربوطه قریب به یک سال بلا تکلیف است، آقایان ۲۶ تیرماه جاری را زمان برگزاری انتخابات اعلام کرده اند اما هنوز از تایید صلاحیت

سه چهره شاخص کشتی خبری نیست!

## یک بام و دو هوای انتخابات کشتی

اگر قرار است تایید صلاحیت افراد برای حضور در انتخابات فدراسیون های ورزشی ماهها به طول انجامد و در نهایت نیز استخوان خرد کرده ها و

چهره های شاخص امکان شرکت در انتخابات را پیدا نکنند، پس چه بهتر سازوکار دیگری را برای این منظور فراهم کنند. یعنی یک سال قبل از انتخابات ثبت نام ها انجام و پس از ماهها بررسی، نهایتا مطابق لیست

نهایی، اعلام شود که این افراد می توانند در انتخابات حضور پیدا کنند. در آن صورت تکلیف همه روشن خواهد شد. دیگر نه ماههای متمادی برای تایید صلاحیت ها فرصت سوزی می شود، نه نام و نشان رداصلاحیت

شدگان دهان به دهان می چرخد و نه موضوع، سوژه رسانه های داخل و خارج می شود و نه فدراسیون به مدت طولانی بدون رییس می ماند. اکنون آقایان پس از ۸ ماه اواخر ماه جاری را زمان انتخابات اعلام کرده اند اما هنوز سه چهره شاخص کشتی

تایید صلاحیت نشده اند! اگر قرار باشد نامدارانی چون عباس جدیدی، علیرضا دبیر و امیر خادم نتوانند وارد گود انتخابات فدراسیون و ورزش خودشان شوند پس باید کلا این رشته را تعطیل کرد. این هر سه نفر

تا چندی پیش مسئولیت های مهم کشوری را برعهده داشتند و پای بسیاری از قراردادها و احکام را امضا می کردند حال چه شده که پس از پایان دوران مسئولیت که از قضا کاری هم نداشتند به مشکل برخوردند. از سوی دیگر این پرسش مطرح است که واقعا در غیاب این نامداران دستگاه

ورزشی قصد دارد سکان هدایت فدراسیون اول را به دست چه کسی بسپارد؟ بهترین گزینه های باقی مانده کف خواسته جامعه کشتی و هیات های استانی هستند. آیا واقعا این افراد

توان اداره فدراسیون کشتی را دارند؟ آقایانی که بدون علم و اطلاع و دانش کافی در امور ورزش برای فلان خانم رییس فدراسیون پیام تبریک به خاطر

موفقیت ها ارسال می کنید در حالی که تمام شواهد حکایت از سومدیریت وی دارد آیا نمی توانستید و یا نمی

توانید انتخابات ورزش اول کشور را سر و سامان دهید؟ تردید نداشته باشید راهی که امروزه ورزش ما می رود به ترکانستان است. نتایج این نوع مدیریت و عملکرد در المپیک مشخص خواهد شد. اما در مورد انتخابات کشتی، اگر قرار باشد

انتخابات فدراسیون مذکور بدون حضور نامداران و بزرگان این ورزش برگزار شود و اعضای مجمع مجبور باشند بین نفرات باقی مانده بد از بدتر را انتخاب کنند وای به حال کشتی و وای به حال رشته ای که چشم به

مدال های المپیک آن دوخته ایم.

## برتری شطرنج بازان در دور نخست شطرنج قهرمانی آسیا

حریفش با ریتینگ ۱۷۶۲ پیروز شد. پیش از آغاز مسابقات در بخش استاندارد، رقابت های قهرمانی جوانان آسیا در بخش برق آسا برگزار شد که مهدی غلامی با کسب ۴ امتیاز در رده سیزدهم جدول رده بندی بخش آزاد قرار گرفت و میترا اصغرزاده نیز با کسب ۴ امتیاز رده یازدهم جدول رده بندی بانوان را به خود اختصاص داد.

مسابقات بخش استاندارد شطرنج جوانان آسیا از سهشنبه ۱۱ تا یکشنبه ۱۶ تیرماه در کشور اندونزی برگزار می شود.

نمایندگان شطرنج ایران رقابت های خود در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا را با پیروزی آغاز کردند.

به گزارش «دنیای هوادار» و به نقل از فدراسیون شطرنج، دور نخست مسابقات شطرنج قهرمانی جوانان آسیا به پایان رسید و نمایندگان کشورمان برابر رقیبان خود صاحب برتری شدند.

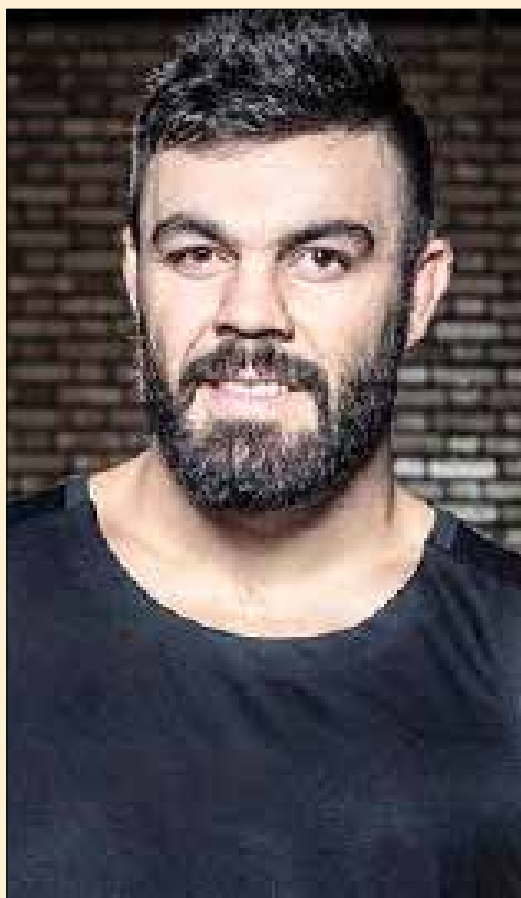
در رقابت های دور نخست بخش آزاد، مهدی غلامی با ریتینگ ۲۴۴۴ برابر حریفش با ریتینگ ۲۱۳۵ به برتری رسید. در بخش بانوان نیز میترا اصغرزاده با ریتینگ ۱۹۸۰ برابر





جذابیت رشته ما به همین کری خواندن هاست

# علی اکبری: عربستانی ها به این حرف ها نمی خورند!



ما به همین کری خواندن هاست

## جذابیت رشته ما به همین کری خواندن هاست

مبارزه حبیب و مک گریگور پرفروش ترین بازی انفرادی کل دنیا بود. ۶ میلیون بلیت برای تماشای بازی در خانه ها فروختند. سالن هم که پر بود. جذابیت رشته ما به همین کری خواندن هاست. حبیب مسلمان بود و کاتر به مذهب او گیر داده بود. باعث شد که آن دعوی آخر بعد از بازی راه بیفتد. کلا اینکه فکر کنید مثل گریگور به اتوبوس حبیب حمله کرد چهره این ورزش را زشت می کند، درست نیست. اتفاقات در اروپا و آمریکا این چیزها را دوست دارند. با همین چیزها بازی ات دیده می شود. کل کل من و تیلور کینگ هم بیشتر از طرف او بود. ۴ تا چیز او گفت، ۴ تا چیز من گفتم. در معارفه با هم درگیر شدیم. بعد رفتیم تو قفس و کتکش زدیم و برنده شدیم!

## تراکتوری هستم و با فوتبالیست ها رفیقم

من فوتبالی هستم. بازی های سپاهان، استقلال، پرسپولیس و ذوب آهن را در آسیا می بینم ولی خودم تراکتوری هستم. مهم نیست این تیم قهرمان شود مهم این است که ما طرفدارش هستیم. از بین فوتبالی ها با حنیف عمران زاده، کمال کامیابی نیا، علیپور، مهدی شیرینی و... ارتباط دارم. هم با استقلال ها دوستم و هم پرسپولیس ها

ورزشکاران نمی بینند. من خودم را نوکر اهل بیت می دانم. با چشم اهل بیت و خدا را ندیدم ولی در زندگی ام، در روزهای سختم، در لحظه کتک خوردن هایم در تایلند آنها را در زندگی ام حس کردم.

## همه به پول در آوردن من گیر دادند!

وقتی فیلمی ساخته می شود همه در سیما فیلم ساخته شده را می بینند ولی نمی بینند پشت صحنه چه اتفاقی افتاده. درآمد ورزش ما خوب است ولی برای اینکه مسابقه بدهی باید کتک بزنی و کتک بخوری. دیگر کسی نمی داند ۳،۴ ماه برای هر مسابقه ما چقدر زحمت می کشیم. الان فوتبالیست ها بیشترین پول را می گیرند. کسی هم چیزی نمی گوید و نوش جانشان اما حالا ما می خواهیم یک لقمه نان پیدا کنیم همه گیر داده اند! (خنده)

## چرا من نباید پردرآمدترین ورزشکار جهان شوم؟

اینکه گفتم می خواهم ثروتمندترین ورزشکار جهان شوم، من همیشه نوک قله را می بینم. اگر قرار است لیست پردرآمدها اعلام شود چرا من بین آنها نباشم؟ اینقدر زحمت می کشم. جانم را گذاشته ام. کسانی که بیشترین درآمد را دارند چکار می کنند که من نمی کنم؟ حقم است. پله پله باید به هدفم برسیم. سال گذشته کاتر مک گریگور ۱۵۰ میلیون دلار درآمد داشت. جانم را کف دستش گذاشت. من دلی دارم که با آن وسط توفان می زنم، با همین امکانات کم ترسی هم از کسی نداریم. بیشترین زحمت

دقیقا به صنف کار من می خورد. من هم پیام دادم هر جای دنیا بخواهید می آیم و مبارزه می کنم اما عربستانی ها اصلا به این حرف ها نمی خورند.

## هر روز کتک می خوردم و پشیمان می شدم

در زندگی ام زیاد مشت محکم خوردم. نوک قله را دیدم. ته دره را هم دیدم. من به نوک قله رفتم و بعد با سر زمین خوردم. کسی فکر نمی کند بلند شوم. خواست خدا بود. بلند شدم. روحیه من این بود که تسلیم نشوم و نمی شوم. دوره ای بود که می گفتند علی اکبری تمام شده ولی من در اتاق ۹ متری زندگی و در کمپ حرفه ای تایلند تلاش کردم و تلاش کردم. روزی دو سه بار تمرین می کردم و در نهایت با یک رشته جدید برگشتم. من کشتی گیر بودم. صورتم عادت به مشت خوردن نداشت. با کسانی تمرین می کردم که رزمی کار بودند. برایم سخت بود. هر روز کتک می خوردم. سه سال واقعا سخت گذشت. هزار بار MMA را ول کردم. شب گفتم صبح بیدار شوم می روم. بعد از ظهر مشت می خوردم و تا صبح بالا می آوردم و حالم بد بود. می گفتم صبح جمع می کنم و می روم ایران. صبح که بلند می شدم حالم بهتر بود و می گفتم بگذار یک هفته دیگر بمانم.

## وقتی زمین بخوری، موفقیت ارزش دارد

اگر راه موفقیت موفقیت هموار و مستقیم باشد، تو کاری نکرده ای. اگر زمین بخوری و ته دره را ببینی و بلند شوی آن موقع موفقیت ارزش دارد. در این صورت واقعا خدا را در زندگی پیدا می کنی. اگر پول و همه چیز باشد تو راحت را گم می کنی. برای من این اتفاق افتاد. ولی وقتی دو سه بار زمین بخوری و بلند شوی دیگر خودت را گم نمی کنی.

## همین جلوی مرا نگرفتند، دستشان درد نکند!

من عاشق اهل بیتم. از بچگی عاشق بودم. هیات دارم. در هیات بزرگ شدم. سر بند حیدر کرار می بندم. نه برای اینکه کسی حمایت کند. کسی هم حمایت نکرده است. اصلا هم انتظار ندارم. همین که جلوی ما را نگرفتند دست شان درد نکند. از کسی توقع ندارم. اصلا من را جزو

بودند. در سنت پترزبورگ هم نصف جمعیت ایرانی بودند و خوشحالم برای حمایت از من می آیند.

## وارد MMA که شوی، باید از خیلی چیزها بگذری

خدا به هر کسی استعدادی داده. به من هم این استعداد را داده تا هیچوقت نترسم. تا به حال نشده قبل از ورود به رینگ ترس داشته باشم. این موهبتی است که خدا در دل من قرار داده. وقتی وارد این رشته می شوی باید از خیلی چیزها بگذری. از تفریحات، از جوانی، از زندگی معمولی، از پرخوری، از شب بیداری و خیلی چیزها. باید قید این را هم بزنی که سر و صورت سالم داشته باشی.

## مادرم در باکو کنار قفس بود

مادرم قبلا برایش سخت بود ولی الان کنار آمده. حتی به سالن می آید تا بازی های من را ببیند. در باکو کنار قفس بود. در سنت پترزبورگ هم دوست داشت باشد ولی هوا سرد بود و نیامد. کم کم به داخل قفس هم می آید تا من را کوچ کند. (خنده) خب برای مادرها سخت است که بچه شان در این رشته باشد ولی مادر من کم کم کنار آمده. الان هم دیگر به من اعتماد دارد.

## نمی توانم پول بگیرم چون تحریم هستم

اگر کاغذ بازی ها و تحریم ها حل شود، انشالله به زودی اولین مبارزه ام را در سازمان UFC برگزار می کنم. الان برای پول گرفتن مشکل دارم چون تحریم هستیم. این مشکلات را به زودی حل می کنیم تا مسابقاتم را شروع کنم. در حال حاضر رنک ۲۷ دنیا هستم ولی انشالله بعد از اولین بازی رنک جدیدم مشخص می شود.

## عربستانی ها به این حرف ها نمی خورند!

من تا به حال ۱۱ مبارزه کرده ام و فقط یک بار باخته ام. فینال گزندپرریکس رایزن بود. با دست شکسته و عضله پاره وارد شدم. نمی گویم مصدوم بودم و باختم. خواست خدا بود. عربستانی ها دو ایرانی را کتک زدند.

میلیون تومان خرج تغذیه ام است. روزی هم ۶ وعده غذا می خورم.

## اینطور نیست مردم از من بترسند

تا به حال بیرون دعوا نکرده ام. اینکه بگویند مردم از من می ترسند و برای دعوا سمتم نمی آیند، اصلا این حرف ها نیست. بیرون مردم به من محبت دارند. من نوکر مردم هستم. آنها بعد از کشتی و بعد از سه سال دوری ام، من را به عنوان سرپاز و بنده خودشان پذیرفتند. به من کلی انرژی دادند.

## سعی کردم آهنگ حماسی انتخاب کنم

انتخاب آهنگ ها و سرودهای حماسی قبل از مسابقه با خود ماست. همیشه سعی کردم آهنگی انتخاب کنم که حماسی باشد. به من روحیه بدهد. به قول معروف من را برانگیخته کند. من قبل از مسابقات حساس همیشه این حس را دارم که آهنگ ها به من کمک می کند. دوست دارم مردمی هم که در سالن آهنگ را گوش می کنند حس خوبی داشته باشند. سال گذشته در مسابقه باکو همه در سالن ایرانی

امیر علی اکبری می گوید مشکلتش برای پیوستن به UFC به زودی حل می شود و در آمریکا مبارزه می کند.

امیر علی اکبری قهرمان شناخته شده MMA که اخیرا با قراردادی به بالاترین سطح این مسابقات در UFC آمریکا پیوسته، امروز با برنامه سلام صبح بخیر گفت و گویی ویژه داشت. او حرف های زیادی درباره خودش، رشته اش و حتی فوتبال زد. خلاصه ای از حرف های امیر علی اکبری را می خوانید.

## اکثر فایترهای آمریکایی خلافکار بوده اند!

وقتی از کشتی بیرون آدم یکسری از دوستان اطراف آب دنبالم آمدند. صحبت کردند و کمک کردند وارد MMA شوم. به تایلند رفتم. سه سال آنجا بودم. یاد گرفتم و بعد از سه سال به ایران برگشتم و شروع کردم. من پسر خوبی بودم و در بچگی دعوا نمی کردم. البته خیلی از فایترهایی که در آمریکا هستند از زندان آمده اند و خلافکار بوده اند. آنها بچگی شری داشتند ولی ایرانی ها اکثر سالم هستند و خلافکار نیستند. سوء سابقه هم ندارند.

## روزانه ۶ وعده غذا می خورم

روزی دو جلسه و در هر جلسه دو ساعت تمرین می کنم. تغذیه خاصی هم ندارم. هر چیزی باشد می خورم. از مرغ و گوشت بگیرد تا ماکارونی ولی سرخ کردنی، بستنی، نوشابه و... را نمی خورم. ماهیانه هم حدود ۲ تا ۳





نقدی بر فیلم «آشغال های دوست داشتنی»

## وقتی «تقابل» ارزش ساخت یک فیلم را دارد

کارگردان:  
محسن امیریوسفی

بازیگران:

شیرین یزدان بخش، اکبر عبدی، هدیه تهرانی، شهاب حسینی، صابر ابر، حبیب رضایی، نگار جواهریان

خلاصه داستان:

خانواده‌ای یک شب فرصت دارند مشکل مادر خانواده را حل کنند. مادر خانواده (شیرین یزدان بخش) در زمان شلوغی‌های سال ۸۸ مجبور می‌شود به تعدادی از معترضین پناه بدهد و به دلیل فشار اطرافیان برای دور ماندن از خطر زندان، مشغول به جمع کردن وسایل مشکوک خانهاش می‌شود...

سال ساخت:  
۱۳۹۱

تاریخ اکران:  
۲۴ بهمن ۱۳۹۷

فروش در سینماهای ایران:  
۳/۷۷۵/۰۰۰/۰۰۰ تومان

دوست‌داشتنی» خیلی سرهم‌بندی شده و گل‌درشت هستند. ناگفته نماند که فیلم به وضوح صحنه‌های حذف شده هم دارد و برای مخاطب عادی هم حتی کاملا به چشم می‌آید. کاراکتر نگار جواهریان خیلی گنگ است و مشخصا به عنوان یکی از جوانان معترض به نظر می‌رسد سکانس‌های مربوط به او حذف شده است، اما آنچه به فیلم لطمه می‌زند بیشتر از آنکه حذفیات باشند، تیپیک بودن کاراکترها و کارگردانی بازیکوشانه است.

صدی» پرداخت دارند یعنی یا از این طرف بوم افتاده اند یا از آن طرف. حتی کاراکتر «پیرزن» که به نوعی شخصیت اصلی قصه است هم آنقدر رفتارهای متناقض از خودش بروز می‌دهد که شخصیتش را الکن می‌کند.

مشکل دیگر فیلمنامه، نگاه باسماهای و کمی شعارزده‌اش است. چه چیزهایی طبق قانون کشور ممکن است در شرایط بحرانی خط قرمز باشند؟ طبعاً اولین نکته رسیور و ماهواره است اما با اینکه ذهن وسواسی منیرخانم به عکس‌های شخصی بی‌حجاب، ظرف و ظروف خانه هم رحم نمی‌کند از رسیور و ماهواره غافل می‌شود! بعد اما نوبت می‌رسد به یادگیری‌های شخصی. از پسر رزمنده‌اش گرفته تا رامین، پسری که رفته خارج درس بخواند و شوهر مرحومش همگی چیزهایی دارند که از نظر منیرخانم ممکن است ماموران را عصبانی کند.

نکته ای که در کارگردانی تمام آثار امیریوسفی تا به امروز وجود داشته و در این فیلم هم کاملا به چشم می‌آید، شیوه «بی‌مهابا»ی او در کارگردانی است بدین معنا که او هیچگونه واژه‌ای از هیچگونه قاب بندی نمی‌دارد و دل به دریای هر دکوپاژی می‌زند و از این نظر ذهن خلاق و ایده پرداز او چند صحنه بسیار درخشان در فیلم گنجانده است. اما خب یک ضربه ای که این شکل فیلمسازی به کار وارد می‌کند این است که حواس کارگردان اساسا به قاب‌بندی و حرکت دوربین و زیبایی‌شناسی میزانشانها نیست. تروکاژهای فیلم‌هایش، از جمله همین قاب عکس‌های فیلم «آشغال‌های

نتوانسته در تازگی‌اش خللی ایجاد کند و فیلم در ایده حرف‌های زیادی برای گفتن دارد. علاوه بر ایده امه، اجرای فیلم هم حاوی ایده‌های بسیار جذابی بوده است که پس از گذشت این همه سال، هنوز هیچ فیلمی به پای بکر بودن «آشغال‌های دوست داشتنی» در اجرای برخی سکانس‌ها نرسیده است.

اما با این همه، متأسفانه فیلم چند مشکل اساسی در فیلمنامه است باعث شده این ایده درخشان و اجرای کم نقص تبدیل به یک شاهکار نشود. اولین و اساسی‌ترین مشکل فیلم این است که امیریوسفی خودش آنقدر مرعوب و تسلیم ایده بکرش در موقع نوشتن بوده است که یادش رفته این ایده نیاز به بسط و گسترش و پرداخت اساسی تری دارد. عدم توجه به این مساله باعث شده است که اساسا در فیلم با هیچ «شخصیت»ی رو به رو نباشیم و فیلم پایش را از چند «تیپ» فراتر نگذارد؛ «تپ» «رزمنده شهید» (با بازی صابر ابر)، «تیپ یک چپی» (با بازی شهاب حسینی)، «تیپ یک کودتاجی توبه کرده» (با بازی اکبر عبدی). تقابل این افراد با یکدیگر می‌توانست چالش‌های جذابی را در طول داستان ایجاد کند اما برخلاف آنچه که انتظار می‌رود، فیلم تنها به بگو مگوهای قدیمی و نخ‌نما شده میان تفکرات مختلف می‌گذرد و به نقطه‌ای فراتر از آن نمی‌رسد. هیچکدام حاوی کنش‌های چندانی نیستند و کشمکش‌هایشان از چندمجادله لفظی نخ‌نما شده فراتر نمی‌رود. در پرداخت این شخصیت‌ها ظرافت و ویژه‌های به کار نرفته و همه‌شان پرداخت «صفر و

اکران شده است. اما مساله ای که پس از تماشای فیلم احتمالا برای مخاطب سوال بوجود می‌آورد این است که اساسا به چه دلیل این فیلم به مدت هفت سال در توقیف بوده است؟ چرا که مفاهیم موجود در اثر هیچ تخطی نه از قوانین و نه از خطوط قرمز نمی‌کنند و فیلم اساسا تماشاگر را دعوت به دوست داشتن کشورش می‌کند.

داستان فیلم با رخدادهای سال ۸۸ گره خورده است و درون‌خانه‌ی پیرزنی جریان می‌یابد که در همین بین برخی معترضان، به منزلش پناه می‌برند فکر میکند قرار است دستگیرش کنند. منیرخانم که خانواده‌ای داشته با همه جور تفکر و بینش نگران است به خاطر پناه دادن به تعدادی از معترضان انتخابات بیابند و خانه‌اش را بگردند در نتیجه می‌خواهد همه چیزهایی را که به نظرش ممکن است مشکل ایجاد کند دور بریزد. برای این کار او مشغول صحبت با قاب‌های روی دیوار که هر کدام یکی از اعضای خانواده اش هستند و حالا او را ترک کردند، می‌شود. در بیان دقیق‌تر داخل خانه‌ی پیرزن سه قاب عکس از سه مرد گوناگون دیده می‌شود. قاب‌هایی که یکی‌شان تصویر پسر شهید او، دیگری عکس برادرش یعنی یکی از اعضای اعدام‌شده‌ی گروه مجاهدین و آخری هم همسر او را نشان می‌دهند.

مانند هر دو فیلم قبلی امیریوسفی، نکته قوت «آشغال‌های دوست داشتنی» ایده مرکزی آن است که در این فیلم هم در اوج است. ایده فیلم به قدری درخشان است که حتی این شش سال محاق توقیف هم

محمدحسین سیفی - بی‌راه نیست اگر بگوییم که «محسن امیریوسفی» در زمره کارگردانی است که تیغ تیز «توقیف» فیلم‌هایش را یکی پس از دیگری تا مرز بایگانی ابدی پیش رفته است و به یک باره از دل توقیف بیرون آمده اند. اولین فیلم بلند امیریوسفی «خواب تلخ» نام داشت که در سال ۱۳۸۲ ساخته شد اما برای ۱۲ سال هرگز رنگ پرده نقره ای سینما را به خودش ندید. تا اینکه در سال ۱۳۹۴ بالاخره مجوز اکران آن هم در سینماهای «هنر و تجربه» گرفت. «آتشکار» دومین ساخته امیریوسفی نیز سه سال در توقیف ماند و سپس در سال ۱۳۸۹ با شرط پذیرفتن اکران برای رده سنی بالای ۱۶ سال به اکران در آمد. و اما فیلم «آشغال‌های دوست داشتنی» سومین ساخته بلند «محسن امیریوسفی» پس از تجربه‌های توقیف شده او بود که در سال ۱۳۹۱ ساخته شد و تا اسفندماه سال گذشته نیز در توقیف بود؛ یعنی نه در دولت دهم، نه در دولت یازدهم بلکه در دولت دوازدهم و با گذشت ۱۰ سال از حوادث سال ۱۳۸۸ مجوز اکران گرفت و توانست مخاطبان خودش را نیز به خوبی پیدا کند. به هر روی نوشتن درباره فیلمی که سالهای سال در توقیف بوده کار آسانی نیست چرا که ممکن است در تمام این سالها تاریخ مصرف حوادث فیلم تمام شده باشد یا اتفاقاتی از این دست که فیلم را از ذهن انداخته باشد با این حال ما همان‌طور که خود کارگردان گفت فرض را بر این می‌گذاریم که فیلم تازه هفته گذشته ساخته شده و بلافاصله هم

### معرفی کتاب

#### «من از گردنم بدم میاد و افکار زنانه دیگر»

:: نورا افزون ::

یا وقتی میری آرایشگاه، یاد جملات زیر کانه و نایش میفتی و تو دلت به طنز هوشمندانه نورا افزون می‌خندی. کافیه به نگاه به فهرست کتاب من از گردنم بدم میاد بیندازید تا متوجه شید که این به کتاب صد در صد زنانه است. اغراق نکنم بالای هشتاد درصد مطالبش حول اموری می‌گردد که مربوط به خانم هاست.

من از گردنم بدم میاد و افکار زنانه دیگر از ۲۱ مقاله طنز - داستان مانند - تشکیل شده است. نورا افزون با زبانی طنز به واقعیت‌های اجتماعی به ویژه وضعیت زنان پرداخته و داستان‌های جالبی خلق کرده است. این کتاب جزو اون دسته از کتابهاییه که انگار به رونوشت ظریف از جامعه و اطراف ماست. از اون کتاب‌هایی که وقتی داری خرید میکنی

جادویی خنده!

من از گردنم بدم میاد به پارادوکس شیرین و دوست‌داشتنی. از زن‌ها مینویسه اما نقدشون میکنه، با چنان ملاحظه‌گرایی که نمیتونی نوشته‌هاش رودوست نداشته باشی. از مرگ مینویسه اما چنان تو رو مجذوب مرگ میکنه که آرزو میکنی فرشته مرگ شبیه افزون باشه! و مینویسه و تو دوست داری تک تک جملاتش رو بلعی. برای من، افزون همزاد مونث دیوید سدریس هستش. به طنز پرداز باحال که با خواندن کتابش غش

مثلا: پوست و مو و ناخن و لباس و کیف! ممکنه اولش با خودتون بگید (مخصوصا اگه خواننده‌ی کتاب به آقا باشه!) چقدر سطحی و مسخره به نظر میاد که به زن بیاد درباره‌ی همچین سوژه‌های ابتدایی ای کتاب بنویسه. اما باید خدمتتون عرض کنم که، کاملا در اشتباهید، چون دید افزون به این مسایل درست مثل ده دختر نوجوان غرغرو هستش، یادداشت‌هایی که تو این کتاب اومده بود من رو به یاد انشاهای دوران دبیرستان میانداخت. کوتاه و موجز و گویا و همراه با اسانس

غش میخندی و دوست داری بارها و بارها آثارش بخونی.





# آموزش زبان بدن

**علی بهرام پور** - در این مقاله به آموزش زبان بدن می پردازیم. زبان بدن در انتقال افکار و احساسات ما بسیار موثرتر از زبان گفتاری عمل می کند. برخی از نشانه های زبان بدن به صورت ناخودآگاه و غیرارادی پدیدار می شوند؛ در حالی که باقی سرنخ های این زبان اکتسابی و آموختنی است.

زمانی که بدانید زبان بدن چیست؛ متوجه می شوید که علاوه بر انتخاب لغات و تن صدای باقی حرکات و ژست های بدنی هم پیام های قدرتمندی به مخاطب انتقال می دهد. به همین دلیل است که همه افراد آگاهانه یا ناخودآگاه، با دقت زیادی به زبان بدن دیگران توجه می کنند.

نکته جالب این است که بعضی تحقیقات نشان داده اند زبان بدنی تاثیر به سزایی بر هورمون های ما دارد؛ و بالا و پایین شدن برخی هورمون ها، بر تصمیمات و رفتارهای ریسک پذیر ما تاثیر گذار است. این تصمیمات مهم همگی در زمینه حرفه ای و شغلی نیستند. توجه به زبان بدن در زندگی شخصی و اجتماعی هم بسیار اهمیت دارد. به همین دلیل است که یادگیری و آموزش زبان بدن مهم و حیاتی است.

**زبان بدن خودم چه می گوید؟**  
معمولا با وجود توجهی که به زبان بدن دیگران داریم، نسبت به حرکات و ژست های بدنی خود هوشیارانه عمل نمی کنیم.

دقت به فن بیان و زبان بدن طرف مقابل در مذاکره یا رابطه مهم است؛ اما باید به پیامی که خودمان به

اطرافیان می دهیم هم توجه کنیم. همان طور که ما حالات صورت، حرکات دست یا پای مخاطب را تحت نظر داریم، او هم ژست های ما را موشکافی می کند. زمان هایی وجود دارد که لازم است از نشانه های زبان بدن عامدانه استفاده کنیم، یا حتی برخی ژست های خود را اصلاح کنیم.

**در چه صورتی باید جلوی آینه بایستیم و با خود صحبت کنیم؟**  
من کسی را می شناختم که موقع شوخی کردن با دیگران، اخم می کرد. زمانی در نوجوانی خودش به این نتیجه رسیده بود که تلفیق چهره جدی و کلام طنزآمیز، بسیار جالب است. به همین دلیل، این اخم همراه همیشگی شوخی های او شده بود.

اما اگر کسی او را نمی شناخت، متوجه شوخی کردنش نمی شد؛ چون چهره جدی اش باعث می شد غریبه ها صحبت های او را جدی تلقی کنند.

این موضوع برای او مشکل ایجاد کرده بود. پس لازم داشت این ژست خود را اصلاح کند. او باید با حالات و حرکات اجزای صورتش هم به مخاطب نشان می داد که در حال شوخی کردن است.

افراد زیادی هستند که نسبت به آموزش زبان بدن خود و پیامی که صادر می کنند، آگاه نیستند. این افراد بهتر است جلوی آینه بایستند و با یک مخاطب فرضی صحبت کنند.

هنگام این گفتگو ببینند آیا تعجب، خوشحالی، نگوشت، خشم و... به خوبی در چهره شان معلوم می شود؛ آیا اگر خودشان جای شنونده باشند، متوجه حال و هوای گوینده

می شوند؟ شناخت زبان بدن خود، دو مزیت دارد:

اگر لازم باشد بهتر می توانید نشانه های زبان بدن خود را کنترل یا محدود کنید.

هرجا لازم باشد می توانید روی بعضی نشانه های زبان بدن، تاکید بیشتری داشته باشید.

البته شرایط و موقعیت هایی وجود دارد که حال و هوای ما را تحت تاثیر قرار می دهد؛ در نتیجه رد پای آنها در زبان بدن مان هم آشکار می شود.

برای شناسایی این موقعیت ها، توصیه می کنم پیش از ورود به هر جلسه یا مذاکره این سوال ها را از خودتان بپرسید:

**آخرین باری که چیزی خورده بودم، کی بود؟**

شرایط فیزیکی تاثیر زیادی روی زبان بدن می گذارند. اگر گرسنه باشیم، سطح قند خون افت می کند. در این حالت میزان تمرکز و حضور ذهن پایین می آید.

ناخودآگاه برای پایان جلسه لحظه شماری می کنیم و زیاد به حرف های دیگران توجه نمی کنیم.

نشانه های این بی قراری با علائمی مانند برقرار نکردن ارتباط چشمی، با پا ضرب گرفتن روی زمین و خنده های کاملاً مصنوعی ابراز می شود.

پس پیش از ورود به جلسه از خودتان بپرسید آخرین بار کی چیزی خورده اید. آیا لازم است پیش از شروع مذاکره فنجانی قهوه یا تکه ای شکلات میل کنید؟

از آنجا که معمولا نمی شود زمان دقیق پایان جلسه را مشخص کرد، بهتر است پیش از شروع آن سری به

سرویس بهداشتی هم بزنید.

**آیا با کسی که قرار گذاشته، مشکلی دارم؟**

اغلب ما نمی توانیم آزرده گی یا دلزدگی خودمان را نسبت به دیگران کاملاً پنهان کنیم. بالاخره نشانی از حس منفی ما در طرز صحبت و زبان بدن آشکار می شود.

پس اگر پیش از ملاقات با چنین شخصی فکری به حال این احساسات منفی نکنیم، ممکن است دیدار یا مذاکره خیلی خوب پیش نرود.

توصیه می کنم با روش های کاربردی و ساده، موقتا ذهن خود را از احساساتی که نسبت به طرف مقابل دارید پاک کنید.

یکی از این روش ها این است که حس و نظر خود را روی کاغذ بنویسید. زمانی که چیزی را می نویسید، ذهن موقتا خودش را از بار آن رها می کند.

به این ترتیب می توانید مذاکره را بهتر پیش ببرید.

**در حین جلسه یا ملاقات با فردی که شما را آزرده است، هرازگاه از خودتان بپرسید:**

آیا اخم کرده ام؟

آیا دست به سینه نشسته ام؟ آیا نگاهم را از صورت او به سمت دیگری برمی گردانم؟

این حرکات در زبان بدن، نشانه های قوی از جبهه گرفتن و عدم رضایت است. اگر حس کردید یکی از این نشانه ها را دارید، بهتر است آن را به نشانه مثبتی تغییر بدهید.

البته اگر پیشروی مثبت و رسیدن به نتیجه مناسب در آن دیدار، برایتان اهمیت دارد!

آیا من آماده ام؟

آماده بودن برای یک ملاقات کاری یا مذاکره مهم است؛ اما این چه ربطی به زبان بدن دارد؟

پاسخ این است: زمانی که برای جلسه آمادگی نداشته باشید، باید انرژی بیشتری صرف کنید تا از

مباحث عقب نمانید. در چنین حالتی تمام حواس خود را به کار می گیرید که بفهمید چه خیراست. این حالت شما در زبان بدنتان منعکس می شود.



است که مسلمانمی خواهید در یک جلسه کاری آشکار شوند.

آیا بی قرارم؟ بی قراری هم حالت ناخوشایند دیگری است که بهتر است در جلسات نمایان نشود.

اگر تقریباً آرام هستید و با تمرکز کافی روند جلسه را دنبال می کنید، خوب است. در این حالت شما آرامش کافی دارید.

اما اگر مدام در صندلی خود تکان می خورید، با خودکار روی میز ضرب می گیرید، پوشسته به ساعت یا تلفن همراه خود نگاه می کنید و...

یعنی بی قرار هستید. این سرنخ های زبان بدن به مخاطب نشان می دهد که شما نسبت به

بحث بی میل هستید. فرقی ندارد چنین جلسه ای کاری باشد یا خانوادگی؛ چون بی قراری شما جو آن را ناآرام می کند؛ خصوصا اگر شما رئیس یا بزرگ جمع باشید.

پس پیش از شروع جلسه از خودتان بپرسید بی قرار هستید یا نه. اگر ممکن است جلسه را به زمان دیگری موکول کنید.

اگر نمی شود، با برخی حرکات کششی و نفس های عمیق کمی خودتان را آرام کنید.

**آموزش زبان بدن در چه صورت نهایی می شود؟**

آموزش زبان بدن زمانی کامل می شود که حرکات و ژست های خودمان را هم بشناسیم.

گاهی لازم است از برخی از این حرکات اجتناب کنیم. به طور مثال در یک مذاکره شغلی یا به دست آوردن یک امتیاز مثبت، با تمام وجود خوشحالی خودمان را ابراز نکنیم!

گاهی هم لازم است روی برخی از نشانه های زبان بدن تاکید کنیم. مثلا زمانی که می خواهیم در شخصی حس آرامش و اطمینان ایجاد کنیم، باید لبخند پررنگ تر و نگاه آرام تری داشته باشیم.

آموزش زبان بدن در تمام روابط اعم از شخصی، اجتماعی و حرفه ای به کار می آید. چون بیش از ۹۰٪ پیام ها به جای کلمات، با حرکات و حالات بدن منتقل می شوند.

شما ممکن است نیروی زیادی صرف کنید که خودتان را به مکالمه برسانید؛ پس دیگر توجه چندانی به نشانه های زبان بدن خود نخواهید داشت.

بهبتر است پیش از شروع هر جلسه، برای آن آماده شوید. اگر آماده نیستید آن را به زمان دیگری موکول کنید.

اگر نتوانستید هیچ کدام از این کارها را بکنید، ساکت و آرام بنشینید. تلاش کنید در ملاقات بعدی آماده تر حاضر شوید.

اگر پاسخ تان به این سوال مثبت است، کافیتست به خودتان کمی زمان بدهید.

برخورد عصبی تقریباً در هیچ کدام از روابط اجتماعی پذیرفتنی نیست؛ فرقی ندارد آن رابطه شغلی است یا غیرشغلی.

**به این ماجرا که در شرکتی یونانی اتفاق افتاده است توجه کنید:**

یکی از کارگرها اشتباهی مرتکب شد که شرکت مجبور شد خسارت زیادی به یکی از مشتری ها پرداخت کند و دلیل اشتباهش را توضیح

مدیر آن بخش بسیار برآشفته شد. دلش می خواست همان لحظه با آن کارگر تماس بگیرد، به او ناسزا بگوید و اخراجش کند.

اما تصمیم گرفت کمی صبر کند تا آرام شود.

کمی بعد سر میز او رفت و با ملایمت از او خواست گزارشی تهیه کند و دلیل اشتباهش را توضیح

بدهد. کارگر روز بعد گزارشی با جزئیات کامل به او ارائه داد که در آن پیشنهاداتی برای جلوگیری از اشتباهات آینده نوشته شده بود.

آن پیشنهادها بسیار کاربردی و مفید بودند و واقعا ارزش اجرایی داشتند.

**پنهان کردن خشم!**

خشم نشانه های آشکار و صریحی در زبان بدن دارد که پنهان کردنشان دشوار است. نگاه غضبناک، نفس های تند و کوتاه، بی قراری، تن صدای بالا و... از نشانه های خشم

با شناخت کامل زبان بدن متوجه می شوید که تمام حرکات و ژست های بدن پیام های قدرتمندی به مخاطب انتقال می دهد

www.alibahrapour.com



## وقتی ۳۵ میلیارد تومان از بیت المال صرف دو نفر می‌شود! حاکمیت دلال‌ها در فوتبال



محمدحسین سیفی

فوتبال ورزش ساده‌ای است؛ تمرین آمادگی برای مسابقه، یک توپ، ۲۳ بازیکن و یک مربی برای پیش از بازی و یک ورزشگاه مملو از جمعیت، یازده بازیکن و نود دقیقه‌ای که باید از آن پیروز خارج شوید. این تمام چیزهایی است که برای یک مسابقه فوتبال نیاز است. حال فکر می‌کنید، اولویت بندی این‌ها به چه صورت است؟ مسلمان بدون تمرین وارد یک مسابقه شدن فرق چندانی با حماقت ندارد و تیم خالی از بازیکن هم قطعاً نمی‌تواند بازی موفقیت آمیزی را پشت سر بگذارد پس شاید بد نباشد اولویت را به این دو مورد بدهیم. اما در ایران، فوتبال بیشتر به ملغمه‌ای شبیه شده است که با برهم ریختن اولویت‌های اولیه و ابتدایی این ورزش دارد تبدیل به هیولایی می‌شود که جز بلعیدن «سرمایه» هیچ کار کرد دیگری ندارد. هیولایی که خرج و برج خودش را در نمی‌آورد و هر روز گرسنه تر از قبل بیت المال را به خود اختصاص می‌دهد؛ یک بار به بهانه بدهی باشگاه‌ها، بار دیگر برای ترمیم استادیوم آزادی، یک بار برای پرداخت دستمزد بازیکنان و یک بار هم برای به خدمت گرفتن یک سرمربی گران خارجی!



دلیلش واضح است؛ مدیرعاملان اخیر این دوشبگانه کدامشان بیشتر از سه چهار سال دوام آورده است؟ هیچکدام. مدیرعامل پیش خودش اینگونه حساب می‌کند که اگر قرار است بزودی توسط وزیر برکنار شوم، چرا از این نمد برای خودم کلاه ندوزم و خودم را درگیر ترمیم زیرساخت‌ها کنم؟

حالا اینکه آقای ایرج عرب، مدیرعامل کنونی پرسپولیس نیز اخیراً زرمزه‌های برکناری‌شان توسط وزیر به دفعات شنیده می‌شود. شاید تیغ زدن واژه درستی نباشد؛ آوردن یک مربی گران خارجی برای پر هوادارترین باشگاه ایرانی، می‌تواند بهانه خوبی برای برداشت پول از بیت المال این کشور باشد. آقایان هواداران را بهانه می‌کنند غافل از اینکه از نظر نگارنده، برداشت پول از بیت المال به اسم راضی کردن هواداری که به نان شبش محتاج است برای آوردن یک مربی بی کیفیت خارجی، از گوشت خوک هم حرام تر است.

### کلام آخر

حیف نان! حیف پول این مردم که برای فوتبال عشق می‌ورزند اما مسئولین با این پول به جای تهیه امکانات استاندارد برایشان در استادیوم‌ها و راه‌اندازی آکادمی‌های با کیفیت برای جوانان با استعداد عاشق این باشگاه، مربیان «سبتا» بزرگ می‌آورند و سر هواداران را گرم می‌کنند. هواداران هم سرگرم اسامی و تیتراهای همچون «همبازی مارادونا» و «معمار اینترمیلان» و... می‌شوند غافل از اینکه کارگزار (دلال) آن مربی‌ها از خودشان است و در نهایت چیزی هم در جیب خودشان می‌رود؛ حال اینکه ساخت کمپ تمرینی و بهبود امکانات باشگاه در عرصه هواداری و... دستاورد مالی چندانی برای آقایان ندارد و بدتر از آن ممکن است سفره‌ای را که از پول بیت المال پهن کرده‌اند، کوچک و کوچکتر کنند.

به امید روزی که دست دلال‌ها از فوتبال این مملکت کوتاه شود و مدیرانی بر مسند قدرت تکیه دهند که «هوادار» را بازیچه کارهای خودشان قرار ندهند. آمین!

بیش از پیش به یک «بازی کثیف» نزدیک می‌کند. وگرنه کمی منطقی باشیم فهم این مساله خیلی سخت نیست که کالدرون هیچگونه رزومه قابل دفاعی در عرصه مربی‌گری ندارد؛ دو سال دوری از فوتبال به دلیل نداشتن تیم و البته اخراج‌های پیاپی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ در هیچ کجای دنیا یک مربی را «موفق» نمی‌سازد. حال این مربی برای باشگاه شرط هم می‌گذارد که سه دستیار خارجی که یکیشان هم پسرش است باید داشته باشد! یعنی علاوه بر ۷۰۰ هزار دلاری که خودش می‌گیرد، ۳۰۰ هزار دلار هم باید حیف و میل دستیارانش بشود.

### باید‌ها و نباید‌هایی که فراموش شدند

در شرایطی که استقلال و پرسپولیس برای کل یک فصل در نهایت بیشتر از ۶۰ میلیارد نمی‌توانند هزینه داشته باشند، به نظر شما انجام چه کاری منطقی تر است؟ صرف ۲۰ میلیارد برای یک مربی که «آیا نتیجه بگیرد، آیا بگیرد» و گرفتن کاسه چه کم چه کنم در انتهای فصل برای پرداخت دستمزد بازیکنان بهتر است یا آوردن یک مربی با کیفیت داخلی با صرف هزینه نهایتاً ۱۰ الی ۲ میلیارد و ذخیره ۱۸ میلیارد باقی مانده که می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری برای باشگاه بازگشت مالی به همراه بیاورد؟ آن هم در شرایط کنونی که باشگاه‌ها به «ریال» در می‌آورند و قاعدتاً تا جایی که می‌توانند باید از مخارج دلاری جلوگیری کنند.

هر عقل سلیمی می‌گوید مورد دوم بهتر است. یک سرمایه‌گذاری برای بهبود امکانات می‌تواند باشگاه را برای سالهای طولانی از نظر کیفی ارتقا دهد و آن وقت آوردن مربی‌های خارجی و صرف هزینه‌های گزاف برای آن‌ها تازه معنا هم پیدا می‌کند. اما هیچ فکر کرده‌اید چرا هیچ مدیری در استقلال و پرسپولیس زیر بار شروع سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت نمی‌رود؟

جز دستمزد خودش و بازیکنانش فکر مطالبه چیز دیگری بوده است؟ بزرگترین افتخار فوتبال ایران در زمینه آوردن سرمربی خارجی با شرایط فعلی قطعاً «کارلوس کی روش» بوده است چرا که فارغ از خوب یا بد بودن عملکرد این مربی بزرگ در ایران، حضور کی روش یک دستاورد بزرگ برای فوتبال ایران داشت و آن هم ایجاد «ساختمان پک» بود. ساختمانی که کمپ تمرینی تیم ملی را یک کیلومترها ارتقا داد و همین «مارک ویلموتس» وقتی پیش از آمدن او در ایران گذاشت اول از آن دیدن کرد تا مجاب شود هدایت تیم ملی را بر عهده بگیرد.

### حاکمیت دلال‌ها در فوتبال

وقتی قرارداد هنگفت استقلال با آندره آ استراماچونی منعقد شد، رسانه‌های پرسپولیس شرایط را طوری جلوه دادند که پرسپولیس هم باید یک مربی خارجی بزرگ بیاورد وگرنه از قافله عقب می‌ماند. عده‌ای هم تماشاگران را به تجمع مقابل درب باشگاه وادار کردند تا هرچه زودتر یک جانشین به ظاهر «مناسب» خارجی برای برانکو پیدا کنند. این شد که از همان روز اول مدیران قرمز در به افتادند دنبال گزینه‌هایی همچون «چاچیچ» و «زونگا» و «لمونیس» و... که در سالهای اخیر سر هیچکدام به تن شان نمی‌آوردند. در نهایت هم از تخم مرغ شناسی دلال‌های صف کشیده جلوی هتل مدیرعامل باشگاه، «گابریل کالدرون» بیرون در آمد. رسانه‌های پرسپولیس «خواستنه» یا «ناخواستنه» (به زعم ما خواسته) شرایط را برای یک پروژه دلالی دیگر مهیا ساختند. وقتی باشگاهی به دنبال مربی خارجی می‌گردد، دلال‌ها مانند دایه‌های دلسوز تر از مادر که هیچکدام هم دغدغه باشگاه را ندارند، گزینه‌های خود را پیشنهاد می‌دهند و در این بین هرکس که بُرش بیشتری داشته باشد، حرفش را به کرسی می‌نشانند. حال اینکه «کارگزار» گابریل کالدرون در ایران مشاور نزدیک «ایرج عرب»، مدیرعامل باشگاه است هم خودش مجاری است که این پروژه دلالی را

### مربی خارجی داریم تا مربی خارجی!

اما تا به حال این فکر کرده‌اید که چرا در عرصه باشگاهی تنها مربیان از مد افتاده‌ای که بی باشگاه مانده‌اند به فوتبال ایران پامی‌گذارند؟ به نظر تان نباید یکی از دلایلش را در مسائلی که بالا اشاره کردیم، جستجو کرد؟ اما آقایان دلشان می‌خواهد همه چیز را بر گردن «تحریم» و «وابط دیپلماتیک پاپین» و... بیندازند که اساساً وقتی باشگاه‌ها امکانات فاجعه باری چه از نظر تمرین و چه از نظر مسابقه دارند، محلی از بحث باقی نمی‌گذارد. ما چه امکاناتی مگر می‌توانیم در اختیار مربیان بزرگی مانند «زلاتکو دالیچ» یا «ماسیمو کاررا» و... قرار دهیم که شایعه آمدن آن‌ها به ایران برای هدایت باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس را بر سر زبان‌ها می‌اندازیم؟ آقایان جووری می‌گویند که «دالیچ» قبل از تیم ملی کرواسی هدایت الهلال عربستان را بر عهده داشته است که انگار یک بار در زندگی‌شان امکانات باشگاه الهلال را دیده‌اند! کشورهای حاشیه خلیج فارس در زمینه امکانات ورزشی در آسیا بی‌رقیب هستند و دیگر حتماً نام کمپ «اسپایر» قطر یک بار به گوشتان خورده است. کمی در حد کمپ‌های تمرینی باشگاه‌های اروپایی! چنین امکاناتی «ژوی هرناندز» را در قطر بگیر می‌کند. آن وقت ما دلمان خوش است به حضور «گابریل کالدرون» ها و «استراماچونی» ها که مدت هاست بی‌تیم مانده‌اند.

پرسپولیس‌ها نام «برانکو ایوانکوویچ» را حلوا حلوا می‌کنند و روی سرشان می‌گذارند اما آیا این مربی کوچکترین قدمی در راستای افزایش سطح کیفی و کمی امکانات باشگاه پرسپولیس برداشت؟ مطالبه برانکو فقط و فقط معطوف به دستمزد خودش و بردارش که اتفاقاً دستیارش هم بود میشد. این همه مربی خارجی به فوتبال ایران می‌آیند و می‌روند، اما کدامشان

به امکانات بیندازیم و تمام دغدغه باشگاه را به آوردن یک مربی خارجی معطوف نکنیم؟

### ۳۵ میلیارد تومان تنها برای دو نفر!

با تمام این تفاسیر، استقلال تهران چند هفته پیش «آندره آ استراماچونی» را با دستمزد سالانه ۱۵ میلیون یورو به خدمت گرفت و پرسپولیس هم در نهایت روز گذشته «گابریل کالدرون» را با ۱ میلیون دلار پایش را به ایران باز کرد. با یک حساب سر انگشتی ساده می‌توان نتیجه گرفت که این دو مربی روی همه رفته ۳۵ میلیارد تومان وجه رایج مملکت خرج روی دست دو باشگاه (آن هم از بودجه مردم) گذاشته‌اند! المال «تامین می‌شود چرا که باشگاه‌های محبوب پایتخت متأسفانه هیچ گاه «آه» هم در بساط نداشته‌اند و اگر قرارداد اسپانسرینگی وسط بیاید، اول بین «خودی» ها حیف و میل می‌شود.

قسمت دردناک ماجرا جایی است که آقایان در رسانه‌ها جو را طوری به سود خود تنظیم و متعادل می‌کنند تا مردم از آن‌ها حمایت کنند که آدم خیال می‌کند «گورادیولا» پایش را در ایران گذاشته است! استقلال‌ها به آمدن استراماچونی امیدوار و پرسپولیس‌ها راضی از حضور کالدرون؛ غافل از اینکه بزرگترین افتخار یکیشان هم بازی بودن با «مارادونا» است و بزرگترین افتخار آن یکی هم اخراج از تیم‌های معتبر لیگ‌های ایتالیا و یونان و روسیه است! البته باز صدر رحمت به استراماچونی که یک اندک مهارتی در پرورش بازیکنان مستعد و جوان دارد، کالدرون که همین را هم در چنته خود نمی‌بیند! اما آقایان جووری رسانه‌ها را مرعوب از رزومه مربیان ۳۵ میلیاردی‌شان ساختند که همه ایرادات سخت افزاری این دو باشگاه را به دست فراموشی سپرده‌اند.

### اولویت‌های برهم ریخته فوتبال ایران

عجیب است هواداران پرسپولیس و استقلال که این همه دم از باشگاه دوستی می‌زنند و جلوی وزارت ورزش و ساختمان باشگاه و... تجمع می‌کنند تا تیم محبوبشان مربی خوب خارجی بیاورد، چرا یک بار از زمین‌های تمرین تیم‌هایی که از آن حمایت می‌کنند، دیدن نکرده‌اند؟ چرا یک بار هواداران استقلال در اعتراض به نداشتن زمین تمرین اختصاصی برای تیمشان تجمع نمی‌کنند؟ مگر استقلال یکی از بهترین تیم‌های آسیا نیست؟ چگونه می‌شود که بهترین تیم آسیا برای تمریناتش سر از زمین تمرین اجاره‌ای در آورده است؟ باز صدر رحمت به پرسپولیس که فصل گذشته زمین تمرین اختصاصی خریداری کرد، اما آیا این زمین تمرین اختصاصی در شان قهرمان سه فصل پیاپی لیگ برتر است؟ یک بار از امکانات سخت افزاری و... این کمپ تمرینی دیدن بفرمائید، خودتان جواب این سوال را متوجه خواهید شد.

اما سوال اینجاست که چگونه می‌شود، برای چنین باشگاه‌هایی که در کمپ اجاره‌ای تمرین می‌کنند و بازیکنان از امکانات سطح پایینی بهره می‌برند، آوردن یک مربی خارجی گران قیمت تبدیل به مساله و دغدغه اصلی باشگاه می‌شود. در بالا اشاره کردیم که اولویت‌های اصلی برای یک تیم فوتبال به چه صورت است. وقتی امکانات استاندارد برای یک باشگاه فراهم باشد، آوردن مربی با کیفیت خارجی معنا پیدا می‌کند. ما هرگز مخالف ورود مربیان خارجی به تیم‌های کشورمان نیستیم، اما وقتی موتور یک ماشین موتور پیکان باشد مگر فرقی می‌کند که چه گیربکسی داشته باشد؟ اکثر باشگاه‌های ایرانی امکاناتی دقیقاً مانند موتور پیکان دارند. حال در چنین شرایطی، بهتر نیست به نیم‌نگاهی